



## مسئولیت حقوقی پلتفرم‌های دیجیتال در قبال حذف محتوای مرتبط با شخصیت‌های تحت تحریم:

### مطالعه موردی سردار سلیمانی

فاطمه فلاح تفتی<sup>۱</sup>

۳۷

دوره ۱۴، شماره ۲، پیاپی ۳۷  
تابستان ۱۴۰۴

#### مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۴-۲-۲۸

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۴-۶-۱۵

صص: ۸۱-۶۳

شابا جایی: ۵۶۴۵-۲۳۲۲

رتبه علمی

ب

بررسی سخت‌گواهی در:  
JOURNALS.MSRT.IR

#### چکیده

این پژوهش به تحلیل حقوقی رویه پلتفرم‌های دیجیتال، به‌ویژه اینستاگرام و توییتر، در حذف گسترده محتوای مرتبط با سردار قاسم سلیمانی پس از ترور ایشان در ژانویه ۲۰۲۰ می‌پردازد. مسئله اصلی پژوهش، بررسی دامنه و مبانی مسئولیت حقوقی پلتفرم‌ها در قبال اعمال سیاست‌های حذف محتوا، به خصوص در مواردی که با استناد به رژیم‌های تحریمی و مقررات داخلی صورت می‌گیرد، و ارزیابی انطباق این رویه‌ها با موازین حقوق بین‌الملل بشر. هدف اصلی مقاله، ارزیابی چارچوب مسئولیت حقوقی پلتفرم‌ها بر اساس اصول حقوق بین‌الملل بشر، به ویژه حق آزادی بیان (ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی) و اصل دادرسی منصفانه، و تحلیل پیامدهای حقوقی ناشی از این رویه‌ها برای کاربران و گفتمان عمومی در فضای مجازی است. روش تحقیق، کیفی و مبتنی بر تحلیل انتقادی اسناد حقوقی بین‌المللی، قوانین داخلی مرتبط، و «شرایط خدمات» پلتفرم‌های مربوطه از منظر انطباق با اصول حقوق بین‌الملل است. چارچوب نظری پژوهش، مبتنی بر «اصول راهنمای سازمان ملل متحد در مورد کسب و کار و حقوق بشر» و تحلیل «مسئولیت احترام» پلتفرم‌های دیجیتال به عنوان شرکت‌های تجاری فراملی در قبال حقوق بشر، به‌ویژه حق آزادی بیان و دادرسی منصفانه است. یافته‌ها نشان می‌دهد که اگرچه پلتفرم‌ها به تحریم‌های ایالات متحده و شرایط خدمات خود استناد کرده‌اند، اما این مبانی حقوقی با چالش‌های جدی از منظر حقوق بین‌الملل بشر، به‌ویژه اصول شفافیت، ضرورت، تناسب و حق دسترسی به دادرسی منصفانه، روبرو هستند.

#### کلیدواژه‌ها:

مسئولیت حقوقی، پلتفرم‌های دیجیتال، حذف محتوا، آزادی بیان، حقوق بین‌الملل بشر، تحریم، سردار سلیمانی، حقوق بشر.

۱. استادیار گروه فقه و حقوق اسلامی، عضو هیات علمی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، جمهوری اسلامی ایران f.fallah@atu.ac.ir

## مقدمه و بیان مسأله

ظهور و گسترش فزاینده پلتفرم‌های دیجیتال به عنوان بازیگران اصلی در تسهیل ارتباطات و انتشار اطلاعات، حق آزادی بیان را در عصر حاضر با ابعاد و چالش‌های نوینی مواجه ساخته است. در حالی که این پلتفرم‌ها بستری بی‌بدیل برای تحقق حقوق دسترس‌پذیر به اطلاعات و انتشار افکار فراهم آورده‌اند، قدرت بی‌سابقه آن‌ها در تعدیل و حذف محتوا، پرسش‌های اساسی را در خصوص مسئولیت حقوقی و تعهدات آن‌ها از منظر حقوق بین‌الملل بشر مطرح می‌سازد. یکی از بارزترین موارد در این زمینه که ابعاد حقوقی قابل توجهی پیدا کرده است، رویه پلتفرم‌های بزرگی چون اینستاگرام و توییتر در حذف گسترده محتوای مرتبط با سردار قاسم سلیمانی، فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، پس از ترور ایشان در ژانویه ۲۰۲۰ بود.

این اقدام، به دلیل ماهیت جهانی حق آزادی بیان و دامنه فرامرزی فعالیت پلتفرم‌ها، سوالات بنیادینی را در خصوص حدود مسئولیت حقوقی این شرکت‌ها و انطباق تصمیمات آن‌ها با اصول و موازین حقوق بین‌الملل بشر، به‌ویژه حق آزادی بیان (ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی)<sup>۱</sup> و الزامات دادرسی رویه‌ای<sup>۲</sup> مطرح می‌سازد. پلتفرم‌های مذکور در توجیه حذف محتوای مربوط به سردار سلیمانی، عموماً به سیاست‌های داخلی خود موسوم به «شرایط خدمات»<sup>۳</sup> و نیز تحریم‌های اعمال شده توسط دولت ایالات متحده آمریکا علیه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و شخص سردار سلیمانی استناد کرده‌اند.

مسئله اصلی این پژوهش، تحلیل مبانی و دامنه مسئولیت حقوقی پلتفرم‌های دیجیتال در قبال حذف محتوای مرتبط با شخصیت‌های تحت تحریم، با تمرکز بر مطالعه موردی سردار سلیمانی است. این مقاله به دنبال پاسخ به این پرسش کلیدی است که آیا رویه پلتفرم‌های دیجیتال در این خصوص، با اصول آزادی بیان، ضرورت، تناسب و الزامات رویه‌ای در حقوق بین‌الملل بشر انطباق دارد و پلتفرم‌ها تا چه میزان در قبال این اقدامات مسئولیت حقوقی دارند؟

فرضیه این پژوهش آن است که رویه پلتفرم‌های دیجیتال در حذف گسترده محتوای مذکور، به دلیل اتکای نامتنا سب بر تحریم‌های یک‌جانبه ایالات متحده، عدم رعایت دقیق آزمون سه‌بخشی (به‌ویژه اصول ضرورت و تناسب) و همچنین نقض اصول بنیادین دادرسی رویه‌ای، با استانداردهای حقوق بین‌الملل بشر انطباق ندارد. برای اثبات این فرضیه، پژوهش اهداف مشخصی را دنبال می‌کند: (۱) تحلیل مبانی حقوقی مورد استناد پلتفرم‌ها (تحریم‌ها و شرایط خدمات) از منظر حقوق بین‌الملل بشر؛ (۲) ارزیابی انطباق رویه حذف محتوا با آزمون سه‌بخشی ماده ۱۹ میثاق؛ و (۳) تبیین دامنه مسئولیت حقوقی پلتفرم‌ها.

این پژوهش با استفاده از روش تحقیق کیفی و مبتنی بر تحلیل انتقادی اسناد حقوقی بین‌المللی، قوانین داخلی مرتبط و شرایط خدمات پلتفرم‌ها انجام شده است. چارچوب نظری مقاله بر «اصول راهنمای سازمان ملل متحد در مورد کسب و کار و حقوق بشر (UNGPs)» استوار است. این چارچوب، استدلال رایج مبنی بر «خصوصی بودن» پلتفرم‌ها و اتکای صرف آن‌ها به «قرارداد خصوصی» شرایط خدمات را به چالش می‌کشد. در پاسخ به این دیدگاه که کاربر می‌تواند به پلتفرم‌های رقیب رجوع کند، این پژوهش تأکید دارد که

<sup>۱</sup>ICCPR

<sup>۲</sup>Procedural Due Process

<sup>۳</sup>Terms of Service (ToS)



این استدلال، قدرت انحصاری و مسلط پلتفرم‌هایی چون اینستاگرام و توییتر را نادیده می‌گیرد. این پلتفرم‌ها صرفاً یک «خدمت» در میان خدمات دیگر نیستند، بلکه به دلیل گستردگی نفوذ، عملاً به «میدان عمومی»<sup>۱</sup> اصلی برای گفتمان جهانی تبدیل شده‌اند. بنابراین، ذیل اصول UNGPs، این شرکت‌ها دارای «مسئولیت احترام»<sup>۲</sup> به حقوق بشر هستند که فراتر از تعهدات قراردادی صرف عمل می‌کند. برای نیل به اهداف تحقیق، این پژوهش در ابتدا به بررسی مبانی حقوقی آزادی بیان و محدودیت‌های مشروع آن (شامل آزمون سه‌بخشی) و همچنین الزامات دادرسی رویه‌ای و حق بر جبران مؤثر در بستر دیجیتال می‌پردازد. در ادامه، چارچوب مسئولیت حقوقی پلتفرم‌ها ذیل UNGPs و مبانی استنادی آن‌ها (تحریم‌ها و شرایط خدمات) تحلیل می‌شود. سپس، با تمرکز بر مطالعه موردی، رویه‌های پلتفرم‌ها در پرتو استانداردهای حقوق بین‌الملل بشر ارزیابی خواهد شد.

## ۱. بخش اول: مبانی حقوقی آزادی بیان و محدودیت‌های آن در حقوق بین‌الملل بشر

حق آزادی بیان، به عنوان یکی از حقوق بنیادین بشر، در اسناد متعدد بین‌المللی به رسمیت شناخته شده و توسعه یافته است. درک جامع از دامنه این حق و محدودیت‌های مشروع آن، برای تحلیل مسئولیت حقوقی پلتفرم‌های دیجیتال در قبال حذف محتوا ضروری است. این بخش، ابتدا به جایگاه آزادی بیان در مهم‌ترین اسناد بین‌المللی حقوق بشر و سپس به چارچوب محدودیت‌های مشروع این حق می‌پردازد.

### ۲. ۱.۱. جایگاه حق آزادی بیان در اسناد بین‌المللی حقوق بشر

حق آزادی بیان، نه تنها به مثابه یک حق فردی، بلکه به عنوان ستونی برای تحقق دموکراسی و سایر حقوق بشر، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این حق، شامل آزادی جستجو، دریافت و انتشار اطلاعات و عقاید، صرف‌نظر از مرزها و از طریق هر وسیله‌ای، می‌شود.

### ۳. ۱.۱.۱. اعلامیه جهانی حقوق بشر «اعلامیه جهانی حقوق بشر» - ماده ۱۹

اعلامیه جهانی حقوق بشر که در سال ۱۹۴۸ به تصویب رسید، در ماده ۱۹ خود به صراحت بیان می‌دارد: «هر کس حق آزادی عقیده و بیان دارد؛ این حق شامل آزادی داشتن عقاید بدون مداخله و جستجو، دریافت و انتقال اطلاعات و عقاید از طریق هر رسانه‌ای، بدون ملاحظات مرزی است.» اگرچه اعلامیه به خودی خود سندی الزام‌آور نیست، اما به عنوان منشور بین‌المللی حقوق بشر، مبانی اصلی توسعه و تدوین معاهدات الزام‌آور بعدی، از جمله میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی بوده است. ماهیت فراگیر و غیرقابل تفکیک این حق در «اعلامیه جهانی حقوق بشر»، اهمیت آن را در هر بستر ارتباطی، از جمله فضای مجازی، برجسته می‌سازد.

### ۴. ۱.۱.۲. «میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی» ماده ۱۹

ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی که در سال ۱۹۶۶ تصویب و برای کشورهای عضو الزام‌آور گردید، تفصیل بیشتری نسبت به «اعلامیه جهانی حقوق بشر» ارائه می‌دهد و چارچوب حقوقی مستحکم‌تری را برای حق آزادی بیان فراهم می‌آورد. این ماده شامل سه بند کلیدی است:

<sup>۱</sup>Dominant Market Power  
<sup>۲</sup>Public Square  
<sup>۳</sup>Responsibility to Respect

- بند ۱: «هیچ‌کس را نمی‌توان به خاطر عقایدش مورد مزاحمت قرار داد. این بند بر آزادی مطلق داشتن عقیده تأکید می‌کند که حتی قابل محدودیت نیست».
- بند ۲: «هر کس حق آزادی بیان دارد؛ این حق شامل آزادی جستجو، دریافت و انتشار اطلاعات و عقاید از هر قبیل، صرف‌نظر از مرزها و از طریق هر رسانه‌ای، اعم از شفاهی، کتبی، چاپی، هنری یا هر وسیله انتخابی دیگر است.» این بند، دامنه گسترده حق آزادی بیان و رسانه‌های آن را تبیین می‌کند و به طور ضمنی، پلتفرم‌های دیجیتال امروزی را نیز در بر می‌گیرد.
- بند ۳: اعمال حقوق پیش‌بینی شده در بند ۲ این ماده متضمن وظایف و مسئولیت‌های خاصی است. از این رو، ممکن است مشمول محدودیت‌های خاصی باشد که باید مطابق با قانون اعمال شوند و ضروری باشند: الف) برای احترام به حقوق یا حیثیت دیگران؛ ب) برای حفظ امنیت ملی یا نظم عمومی یا سلامت یا اخلاق عمومی. این بند، مهم‌ترین چارچوب برای اعمال محدودیت بر حق آزادی بیان را فراهم می‌آورد که در ادامه به تفصیل مورد بحث قرار خواهد گرفت.

برای فهم عمیق‌تر و تفسیر دقیق ماده ۱۹ «میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی»، مراجعه به تفسیر عمومی شماره ۳۴ کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد **(General Comment No. 34: Article 19: Freedoms of opinion and expression)** که در سال ۲۰۱۱ منتشر شد، حیاتی است. این تفسیر، به طور خاص به ابعاد آزادی بیان در بستر فناوری‌های نوین، از جمله اینترنت و پلتفرم‌های دیجیتال، می‌پردازد و راهنمای کلیدی برای دولت‌ها و سایر بازیگران در اعمال محدودیت‌های مشروع بر این حق به شمار می‌رود. کمیته حقوق بشر در این تفسیر، بر لزوم شفافیت، پیش‌بینی‌پذیری، و اعمال دقیق آزمون سه‌بخشی در مورد هرگونه محدودیت تأکید کرده است.

#### ۵. ۱،۲. محدودیت‌های مشروع بر حق آزادی بیان: آزمون سه‌بخشی

ماده ۱۹ (۳) «میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی» صراحتاً محدودیت‌های مشروع بر حق آزادی بیان را بیان می‌کند، اما این محدودیت‌ها باید در یک چارچوب دقیق و سخت‌گیرانه اعمال شوند. کمیته حقوق بشر و رویه قضایی بین‌المللی، مفهوم آزمون سه‌بخشی را برای ارزیابی مشروعیت هرگونه محدودیت بر آزادی بیان توسعه داده‌اند. این آزمون شامل سه شرط اساسی است که هر سه باید به طور همزمان محقق شوند.

۱،۲،۱. قانونی بودن: نخستین شرط در آزمون سه‌بخشی، این است که هرگونه محدودیت باید مطابق با قانون اعمال شود. این شرط بر لزوم حاکمیت قانون و جلوگیری از خودسری در اعمال محدودیت‌ها تأکید دارد و شامل دو جزء اساسی است:

«محدودیت باید در یک قانون (یا مقررات قانونی) با دسترسی عمومی و به اندازه کافی دقیق و قابل پیش‌بینی وضع شده باشد.»

«قانون باید به اندازه‌ای شفاف و قابل پیش‌بینی باشد که فرد بتواند رفتار خود را با آن تنظیم کند و پیامدهای احتمالی عمل خود را

پیش‌بینی کند.»

تحلیل کمیته حقوق بشر (تفسیر عمومی شماره ۳۴):



کمیته حقوق بشر در تفسیر عمومی شماره ۳۴ به وضوح بیان می‌کند که قانون باید به اندازه کافی واضح و قابل دسترسی باشد، و باید قواعدی را ارائه دهد که به اندازه کافی دقیق باشد تا کسانی که تحت شمول آن قرار می‌گیرند بتوانند رفتار خود را تنظیم کنند. این تأکید نشان می‌دهد که حتی قوانین داخلی دولت‌ها نیز باید دارای استاندارد بالای شفافیت باشند تا بتوانند توجیهی برای محدودیت‌های اعمال‌شده بر آزادی بیان باشند.

۱،۲،۳. مشروعیت هدف: دومین شرط این است که محدودیت باید برای یکی از اهداف مشروع تصریح شده در ماده ۱۹(۳) «میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی» ضروری باشد. این اهداف عبارتند از:

- احترام به حقوق یا حیثیت دیگران؛
- حفظ امنیت ملی؛
- حفظ نظم عمومی؛
- حفظ سلامت عمومی؛
- حفظ اخلاق عمومی.

باید توجه داشت که این اهداف باید به طور مضیق تفسیر شوند و دولت‌ها نمی‌توانند با استناد به هر هدفی، آزادی بیان را محدود کنند. کمیته حقوق بشر تأکید دارد که وقتی دولتی قصد دارد آزادی بیان را محدود کند، باید به طور دقیق ماهیت تهدید را مشخص کند و نشان دهد که رابطه مستقیمی بین بیان و تهدید وجود دارد.

۱،۲،۳. ضرورت و تناسب: سومین و مهم‌ترین شرط، این است که محدودیت باید ضروری در یک جامعه دموکراتیک و متناسب با هدف مشروع دنبال شده باشد. این دو جنبه، اغلب در کنار هم مورد بررسی قرار می‌گیرند:

- ضرورت: محدودیت باید واقعاً برای دستیابی به هدف مشروع ضروری باشد. این به معنای وجود یک نیاز اجتماعی مبرم است و نباید صرفاً مطلوب یا مفید باشد. باید نشان داده شود که راه‌های جایگزین و کم‌محدودکننده دیگری برای دستیابی به هدف وجود ندارد.
- تناسب: محدودیت باید متناسب با هدف مشروعی باشد که دنبال می‌شود. این یعنی باید تعادلی منطقی و متناسب بین میزان مداخله در آزادی بیان و اهمیت هدفی که قرار است از طریق آن محدودیت حاصل شود، برقرار باشد. محدودیت نباید بیش از حد لازم و به اصطلاح ناجور<sup>۳</sup> باشد. این شامل ارزیابی تأثیر نامتناسب محدودیت بر حق آزادی بیان نیز می‌شود.

Legitimate Aim  
Necessity and Proportionality  
Disproportionate

برای مثال، کمیته حقوق بشر در تفسیر عمومی شماره ۳۴ اشاره می‌کند که تمام محدودیت‌ها باید از ابزاری استفاده کنند که به کمترین میزان بر حقوق مورد حفاظت تأثیر بگذارد. همچنین، بار اثبات مشروعیت و تناسب محدودیت، بر عهده دولتی است که محدودیت را اعمال می‌کند.

#### ۶. ۱،۳. الزامات رویه‌ای و حق بر جبران مؤثر در تعدیل محتوا

باید تصریح کرد که در زمینه تعدیل محتوای آنلاین توسط پلتفرم‌های خصوصی، مقصود از «دادرسی»، انطباق کامل با ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (ناظر بر دادگاه‌های قضایی) نیست. بلکه منظور، اعمال اصول بنیادین دادرسی رویه‌ای و «حق بر جبران خسارت مؤثر»<sup>۴</sup> است که در ماده ۲ میثاق نیز مورد تأکید قرار گرفته است.

ارتباط این بحث با موضوع مقاله، نه از باب ماده ۱۴، بلکه از باب الزامات رویه‌ای ملازم با خود ماده ۱۹ (آزادی بیان) و همچنین «مسئولیت احترام» پلتفرم‌ها ذیل چارچوب UNGPs است. گزارشگران ویژه آزادی بیان سازمان ملل و همچنین تفسیر عمومی شماره ۳۴ کمیته حقوق بشر، تأکید کرده‌اند که هرگونه محدودیت بر آزادی بیان باید همراه با سازوکارهای شفاف و مؤثر برای اعتراض و تجدیدنظر باشد.

این همان چیزی است که می‌توان از آن به «دادرسی منصفانه در بستر پلتفرم» یاد کرد. این الزامات رویه‌ای، حداقل، باید شامل موارد زیر باشد:

اطلاع‌رسانی کافی (اصل شفافیت): کاربران باید از دلایل دقیق حذف محتوا و مبنای قانونی یا سیاستی آن (خواه شرایط خدمات، خواه قوانین تحریمی) به وضوح مطلع شوند.

فرصت پاسخ و دفاع: باید فرصت معقولی برای ارائه توضیح، اعتراض به تصمیم و ارائه شواهد در برابر تصمیم حذف محتوا وجود داشته باشد.

بازبینی مستقل و مؤثر: باید امکان بازبینی تصمیم توسط یک مرجع داخلی (یا در حالت ایده‌آل، خارجی) که بی‌طرف و مستقل از تصمیم‌گیرنده اولیه باشد، فراهم گردد.

بنابراین، فقدان این سازوکارها، خود نقض تعهدات پلتفرم در احترام به آزادی بیان محسوب می‌شود.

#### ۷. ۱،۳،۱. اصول بنیادین دادرسی منصفانه:

- حق شنیده شدن<sup>۴</sup> افراد باید فرصت داشته باشند تا دلایل خود را در مورد تصمیمات تأثیرگذار بر حقوقشان ارائه دهند.
- حق اعتراض و تجدیدنظر<sup>۵</sup>: باید سازوکارهایی برای تجدیدنظر در تصمیمات اتخاذ شده وجود داشته باشد.

⁴General Comment No. 34  
⁵Principles of Procedural Fairness  
⁶Right to an Effective Remedy  
⁷Right to be heard  
⁸Right to appeal



- شفافیت دلایل<sup>۱</sup>: تصمیمات باید مستدل و با ذکر دلایل صریح و مشخص ارائه شوند.
- بی طرفی مرجع تصمیم گیرنده: مرجع تصمیم گیرنده باید بی طرف باشد.

#### ۸. ۱،۳،۲. الزامات دادرسی منصفانه در زمینه تعدیل محتوای آنلاین:

در شرایطی که پلتفرم‌های دیجیتال نقش واسطه‌ای مهمی در جریان اطلاعات ایفا می‌کنند، اعمال اصول دادرسی منصفانه به تصمیمات تعدیل محتوا (از جمله حذف) از اهمیت بالایی برخوردار است. کمیته حقوق بشر در تفسیر عمومی شماره ۳۴، به اهمیت حق دسترسی به اطلاعات و ضرورت وجود سازوکارهای شکایت مؤثر اشاره کرده است.

گزار شگران ویژه سازمان ملل متحد در زمینه ارتقاء و حمایت از حق آزادی عقیده و بیان نیز به طور مکرر بر این نکته تأکید کرده‌اند که پلتفرم‌ها باید سازوکارهای شفاف، قابل دسترس و مؤثر برای کاربران فراهم کنند تا بتوانند به تصمیمات حذف محتوا اعتراض کنند. (UN Human Rights Committee, 2011). این سازوکارها باید شامل:

- اطلاع‌رسانی کافی: کاربران باید از دلایل دقیق حذف محتوا و مبنای قانونی یا سیاستی آن مطلع شوند. (United Nations General Assembly, 2018)
- فرصت دفاع: فرصت معقولی برای ارائه دفاع و شواهد در برابر تصمیم حذف محتوا. (United Nations General Assembly, 2015)
- بازبینی مستقل<sup>۲</sup>: امکان بازبینی تصمیم توسط یک مرجع داخلی یا خارجی بی طرف و مستقل. (United Nations General Assembly, 2019)
- شفافیت رویه‌ها: سیاست‌های تعدیل محتوا باید به وضوح منتشر شده و برای کاربران قابل فهم باشند. (United Nations General Assembly, 2016)

#### ۹. بخش دوم: چارچوب مسئولیت حقوقی پلتفرم‌های دیجیتال در قبال محتوا

پلتفرم‌های دیجیتال، با توجه به نقش واسطه‌ای خود در انتشار محتوای تولید شده توسط کاربران، به عنوان بازیگران کلیدی در اکوسیستم اطلاعات جهانی ظهور کرده‌اند. با این حال، ماهیت حقوقی و دامنه مسئولیت آن‌ها در قبال محتوای منتشر شده، همواره محل بحث بوده است. در این بخش، ابتدا به جایگاه پلتفرم‌ها در نظام حقوقی و سپس به مبنای استنادی آن‌ها برای حذف محتوا، به ویژه در مورد تحریم‌ها و شرایط خدمات، پرداخته می‌شود.

#### ۱۰. ۲،۱. ماهیت حقوقی پلتفرم‌های دیجیتال و مسئولیت آن‌ها

تعریف و دسته‌بندی حقوقی پلتفرم‌های دیجیتال، مانند اینستاگرام و توییتر، از اهمیت بالایی برخوردار است، چرا که این دسته‌بندی، مبنای تعیین دامنه مسئولیت حقوقی آن‌ها را تشکیل می‌دهد.

<sup>۱</sup>Transparency of reasons

<sup>۲</sup>Impartiality

<sup>۳</sup>Independent Review

### ۱۱. ۲۰۱۱. پلتفرم‌ها به عنوان واسطه‌های اینترنتی و مفهوم عدم مسئولیت کلی<sup>۱</sup>

به طور سنتی، قوانین بسیاری در جهان، از جمله بخش ۲۳۰ قانون نزاکت ارتباطات ایالات متحده (Section 230 of the Communications Decency Act) یا دستورالعمل تجارت الکترونیک اتحادیه اروپا (EU E-Commerce Directive)، پلتفرم‌ها را به عنوان واسطه‌های اینترنتی (Internet Intermediaries) طبقه‌بندی کرده‌اند.

مبنای این طبقه‌بندی، جلوگیری از مسئولیت کلی پلتفرم‌ها در قبال محتوای تولید شده توسط کاربران است. به عبارت دیگر، آن‌ها مسئولیت کلی برای نظارت بر محتوایی که کاربران منتشر می‌کنند، ندارند.

استدلال پشت این رویکرد، حمایت از نوآوری و جلوگیری از بارگذاری بیش از حد مسئولیت بر دوش پلتفرم‌ها است. با این حال، این مصونیت مطلق نیست و تحت شرایط خاصی، مانند عدم اقدام پس از اطلاع از محتوای غیرقانونی، مسئولیت می‌تواند ایجاد شود.

### ۱۲. ۲۰۱۲. مسئولیت پلتفرم‌ها بر اساس چارچوب حقوق بشر و کسب‌وکار (UNGPs)

با توجه به قدرت عظیم پلتفرم‌های بزرگ در کنترل جریان اطلاعات و تأثیر بر گفتمان عمومی، دیگر نمی‌توان آن‌ها را صرفاً «واسطه‌های خنثی» در نظر گرفت. همانطور که در مقدمه اشاره شد، این پلتفرم‌ها به دلیل نفوذ و انحصارگرایی، عملاً نقش «میدان عمومی» را یافته‌اند و برخی متخصصان حقوقی آن‌ها را «بازیگران شبه‌دولتی» یا نهادهای خصوصی با وظایف عمومی توصیف می‌کنند. (Everett, 2018; Kim & Telman, 2015)

با این حال، چارچوب نظری اصلی این مقاله برای تبیین مسئولیت حقوقی پلتفرم‌ها، فراتر از بحث «شبه‌دولتی» بودن، بر «اصول راهنمای سازمان ملل متحد در مورد کسب و کار و حقوق بشر (UNGPs)» استوار است. این اصول، که مورد اجماع جهانی قرار گرفته‌اند، چارچوبی سه‌ستونی (حمایت، احترام، جبران) را ارائه می‌دهند.

بر اساس ستون دوم این اصول، تمامی شرکت‌های تجاری، صرف‌نظر از ماهیت خصوصی خود، دارای «مسئولیت احترام» به حقوق بشر هستند. این مسئولیت، یک استاندارد جهانی رفتار است که مستقل از تعهدات دولت‌ها برای شرکت‌ها وجود دارد. (Office of the United Nations High Commissioner for Human Rights, 2011)

این چارچوب، مستقیماً استدلال پلتفرم‌ها مبنی بر اتکای صرف به «شرایط خدمات» به عنوان یک «قرارداد خصوصی» را به چالش می‌کشد. از منظر UNGPs، «شرایط خدمات» خود بخشی از «سیاست‌های» شرکت است که باید در راستای «مسئولیت احترام» به حقوق بشر تدوین و اجرا شود. بنابراین، استناد به یک قرارداد خصوصی برای توجیه محدودیت‌های گسترده بر حقوق بنیادین (مانند آزادی بیان)، کافی نیست. پلتفرم‌ها موظفند نشان دهند که در اعمال این «قرارداد»، ارزیابی‌های لازم حقوق بشری را انجام داده و استانداردهای شفافیت، ضرورت، تناسب و سازوکارهای جبرانی مؤثر (که در بخش ۱،۳ بحث شد) را رعایت کرده‌اند.



این پژوهش استدلال می‌کند که پلتفرم‌ها در مطالعه موردی حذف محتوای سردار سلیمانی، دقیقاً در انجام همین «مسئولیت احترام» شکست خورده‌اند.

### ۱۳. ۲،۲. مبانی استنادی پلتفرم‌ها برای حذف محتوا

پلتفرم‌های دیجیتال عمدتاً بر دو مبنای اصلی برای حذف محتوا استناد می‌کنند: سیاست‌های داخلی خود (شرایط خدمات) و قوانین و مقررات خارجی (به ویژه تحریم‌ها).

### ۱۴. ۲،۲،۱. شرایط خدمات

شرایط خدمات یا قوانین جامعه، سند داخلی هر پلتفرم است که روابط آن با کاربران را تنظیم می‌کند و محتوای مجاز و غیرمجاز را مشخص می‌نماید.

این اسناد عموماً به عنوان قراردادهای استاندارد تلقی می‌شوند که کاربران با استفاده از پلتفرم، به آن‌ها رضایت می‌دهند. با این حال، چالش حقوقی اصلی این است که آیا این شرایط خدمات می‌توانند آزادی بیان کاربران را به گونه‌ای محدود کنند که با استانداردهای

حقوق بین‌الملل بشر (به ویژه آزمون سه‌بخشی ماده ۱۹ میثاق) در تضاد باشد. (UN Human Rights Committee, 2011)

نهادهای حقوق بشری و متخصصان حقوق بین‌الملل تأکید دارند که حتی اگر شرایط خدمات قرارداد باشند، پلتفرم‌ها باید آن‌ها را به گونه‌ای تدوین و اجرا کنند که با تعهدات حقوق بشری دولت‌هایی که در قلمرو آن‌ها فعالیت می‌کنند و با استانداردهای بین‌المللی آزادی بیان سازگار باشد. (Amnesty International, 2019; Wardle & Derakhshan, 2017) این مسئولیت در چارچوب اصول راهنمای سازمان ملل در مورد کسب و کار و حقوق بشر نیز مورد تأکید قرار گرفته است که شرکت‌ها را به «احترام به حقوق بشر» ملزم می‌داند. (Office of the United Nations High Commissioner for Human Rights, 2011)

### ۱۵. ۲،۲،۲. قوانین تحریمی و نقش آن‌ها در حذف محتوا

در بسیاری از موارد، پلتفرم‌های دیجیتال، به ویژه آن‌هایی که در ایالات متحده مستقر هستند، به قوانین تحریمی دولت آمریکا (مانند تحریم‌های دفتر کنترل دارایی‌های خارجی وزارت خزانه‌داری آمریکا - OFAC) استناد می‌کنند (OFAC, n.d). استدلال آن‌ها این است که برای جلوگیری از نقض این تحریم‌ها (که می‌تواند شامل مسدود کردن خدمات یا محدود کردن ارتباط با نهادها و افراد تحریم شده باشد)، مجبور به حذف محتوای مرتبط با اشخاص یا نهادهای تحت تحریم هستند.

با این حال، این استدلال با چالش‌های حقوقی جدی مواجه است:

- اعمال فرا سرزمینی تحریم‌ها: اینکه آیا قوانین تحریمی یک کشور می‌توانند به طور فرا سرزمینی اعمال شده و پلتفرم‌ها را در سراسر جهان ملزم به حذف محتوا کنند، محل بحث جدی در حقوق بین‌الملل عمومی است. بسیاری از حقوقدانان و نهادهای بین‌المللی در

مورد قانونی بودن و مشروعیت اعمال فراسرزمینی قوانین ملی، به‌ویژه در مواردی که با حقوق بین‌الملل و حقوق بشر در تضاد باشد، ابراز نگرانی کرده‌اند (United Nations General Assembly, ۲۰۱۵).

- تفسیر محدودکننده آزادی بیان: آیا تفسیر و اجرای این قوانین تحریمی توسط پلتفرم‌ها، به گونه‌ای گسترده و بدون تمایز انجام می‌شود که به طور نامتنا سبی حق آزادی بیان میلیون‌ها کاربر را محدود می‌کند؟ این رویکرد می‌تواند مغایر با اصل تنا سب با شد که یکی از ارکان محدودیت‌های مجاز بر آزادی بیان است (UN Human Rights Committee, ۲۰۱۱).
- تضاد با حقوق بین‌الملل بشر: آیا انطباق صرف با قوانین تحریمی یک کشور، می‌تواند توجیهی برای نقض استانداردهای حقوق بین‌الملل بشر، به ویژه حق آزادی بیان و اصل تناسب، باشد؟ این پرسش اساسی در تعارض میان قوانین ملی و تعهدات بین‌المللی حقوق بشری پلتفرم‌ها مطرح می‌شود (Amnesty International, ۲۰۱۹).

### ۱۶. ۲،۳. مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال اقدامات پلتفرم‌ها

اگرچه پلتفرم‌ها نهادهای خصوصی هستند، اما این بدان معنا نیست که دولت‌ها از هرگونه مسئولیتی در قبال اقدامات آن‌ها مبرا هستند: تعهد دولت‌ها به احترام، حمایت و تحقق حقوق بشر: دولت‌ها بر اساس حقوق بین‌الملل بشر، متعهد به احترام، حمایت و تحقق حقوق بشر هستند. این تعهد شامل حفاظت از افراد در برابر نقض حقوق بشر توسط بازیگران خصوصی نیز می‌شود.

تعهد حمایت: این تعهد ایجاب می‌کند که دولت‌ها چارچوب‌های قانونی و نظارتی مناسبی را برای جلوگیری از نقض حقوق بشر توسط شرکت‌ها، از جمله پلتفرم‌های دیجیتال، وضع کنند. این چارچوب‌ها باید شامل مکانیسم‌های نظارتی و مسئولیت‌پذیری برای پلتفرم‌ها باشند.

مسئولیت دولت در قبال اقدامات فراسرزمینی: اگر دولت‌ها (مانند ایالات متحده در مورد تحریم‌ها) قوانینی را وضع کنند که منجر به نقض حقوق بشر در خارج از قلمرو آن‌ها توسط شرکت‌های تحت صلاحیتشان شود، ممکن است مسئولیت بین‌المللی برای آن دولت ایجاد شود. این بحث به ویژه در مورد قوانین تحریمی که پلتفرم‌ها را مجبور به سانسور در سطح جهانی می‌کند، اهمیت پیدا می‌کند.

### ۱۷. بخش سوم: مطالعه موردی: تحلیل حقوقی حذف محتوای مرتبط با سردار سلیمانی

در بخش‌های پیشین، مبانی حقوقی آزادی بیان (شامل آزمون سه‌بخشی ماده ۱۹ میثاق و اصول دادرسی منصفانه) و همچنین چارچوب مسئولیت حقوق بشری پلتفرم‌ها ذیل UNGPs تبیین شد. اکنون، نوبت به ارزیابی عملی این مبانی نظری در بستر یک نمونه واقعی و چالش‌برانگیز می‌رسد. انتخاب مطالعه موردی حذف محتوای مرتبط با سردار قاسم سلیمانی از پلتفرم‌های بزرگ نظیر اینستاگرام و توییتر (X)، به دلیل ابعاد گسترده جهانی سانسور و استناد مستقیم پلتفرم‌ها به قوانین تحریمی یکجانبه ایالات متحده، برای این پژوهش حیاتی است. این مطالعه موردی، تعارض اساسی میان حاکمیت قوانین داخلی یک دولت (تحریم‌ها) و تعهدات حقوق بشری جهانی را در کانون توجه قرار می‌دهد. همچنین، از آنجا که این موضوع به طور مستقیم با مفاهیم عدالت، ظلم و مسئولیت اخلاقی بازیگران فراملی

سروکار دارد، امکان تحلیل تقاطع حقوق بین‌الملل بشر و اصول بنیادین اسلامی را فراهم می‌سازد. هدف این بخش، مشخص کردن این است که آیا رویه‌های اتخاذ شده توسط پلتفرم‌ها با استانداردهای حقوق بین‌الملل بشر انطباق داشته است یا خیر.

این بخش، تحلیل حقوقی حذف محتوای مرتبط با سردار قاسم سلیمانی از پلتفرم‌های دیجیتال، با تمرکز بر اینستاگرام و توییتر (X)، بر اساس مبانی حقوقی آزادی بیان و مسئولیت پلتفرم‌ها که در بخش‌های پیشین تبیین گردید، صورت می‌پذیرد. هدف این است که مشخص شود آیا رویه‌های اتخاذ شده توسط این پلتفرم‌ها در قبال محتوای مرتبط با شخصیت‌های تحت تحریم، با استانداردهای حقوق بین‌الملل بشر، به‌ویژه اصول ضرورت، تناسب، قانونی بودن و دادرسی منصفانه، انطباق داشته است یا خیر.

### ۳.۱. زمینه و رویه حذف محتوا در مطالعه موردی سردار سلیمانی

پس از ترور سردار قاسم سلیمانی، فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، در ژانویه ۲۰۲۰، موج گسترده‌ای از حذف محتوای مرتبط با ایشان در پلتفرم‌های جهانی نظیر اینستاگرام و توییتر آغاز شد. این حذف‌ها شامل پست‌ها، تصاویر، فیلم‌ها، و حتی مسدودسازی حساب‌های کاربری فعال یا رسمی بود. گزارش‌های متعدد خبری و نهادهای حقوق بشری نشان‌دهنده ابعاد وسیع این اقدام و اعتراضات کاربران نسبت به آن بود. برای مثال، خبرگزاری‌ها و رسانه‌های بین‌المللی مانند رویترز و آسوشیتدپرس در گزارش‌های خود به حذف خودکار پست‌های مرتبط با سردار سلیمانی در اینستاگرام و توییتر اشاره کردند ( Reuters, ۲۰۲۰, Associated Press; ۲۰۲۰). همچنین، سازمان‌های حقوق بشری مانند Access Now در گزارش‌های خود از سانسور آنلاین و تأثیر تحریم‌ها بر دسترسی به اطلاعات در ایران ابراز نگرانی کرده‌اند که این موارد می‌توانند شامل حذف محتوای مرتبط با سردار سلیمانی باشند ( Access Now, ۲۰۲۰).

### ۳.۲. ۱۸. تحلیل مبانی استنادی پلتفرم‌ها برای حذف محتوا

پلتفرم‌های دیجیتال در توجیه اقدامات خود مبنی بر حذف محتوای مرتبط با سردار سلیمانی، عمدتاً به دو مبنای حقوقی/سیاستی استناد کرده‌اند:

#### ۳.۲.۱. استناد به شرایط خدمات و دستورالعمل‌های جامعه

این پلتفرم‌ها، سیاست‌های داخلی خود را که کاربر در زمان ثبت‌نام با آن‌ها موافقت می‌کند، به عنوان مبنای حذف محتوا ذکر کرده‌اند. به طور خاص، بندهای مربوط به محتوای تروریستی، سازمان‌های خطرناک، نفرت‌پراکنی و نقض قوانین، مورد استناد قرار گرفته‌اند. برای مثال، اینستاگرام در دستورالعمل‌های جامعه خود، محتوای مرتبط با سازمان‌ها و افراد خطرناک را ممنوع می‌داند و اعلام می‌کند که از افراد یا سازمان‌های تروریستی پشتیبانی نمی‌کند (Instagram, n.d). توییتر (X) نیز در قوانین توییتر خود سیاست‌هایی در مورد ترویج تروریسم/افراط‌گرایی خشونت‌آمیز دارد که محتوای مرتبط با افراد یا نهادهای تحت تحریم را می‌تواند شامل شود (X Corp., n.d). تحلیل حقوقی شرایط خدمات در پرتو حقوق بین‌الملل بشر:

- عدم شفافیت و پیش‌بینی‌پذیری در تعریف: بندهای شرایط خدمات در مورد سازمان‌های تروریستی یا افراد خطرناک اغلب فاقد تعاریف دقیق و شفافی هستند که با قوانین بین‌المللی (مثلاً تعاریف مندرج در قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل) مطابقت داشته باشند ( Security Council Resolution ۱۳۷۳, Security Council Resolution ۲۰۰۱, Security Council Resolution ۱۵۶۶, ۲۰۰۴). این عدم شفافیت، کاربران را از پیش‌بینی دقیق این‌که چه نوع محتوایی ممنوع است، بازمی‌دارد و می‌تواند منجر به خودسانسوری شود. این با اصل قانونی بودن در آزمون سه‌بخشی ماده ۱۹ «میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی» (UN Human Rights Committee, ۲۰۱۱) که بر شفافیت و پیش‌بینی‌پذیری قانون تأکید دارد، در تضاد است. این ابهام، به پلتفرم‌ها اجازه می‌دهد تا با قدرت انتخاب بالایی عمل کنند که با حاکمیت قانون و تضمین حقوق بشر در فضای آنلاین در تضاد است.
- عدم وجود استانداردهای دادرسی منصفانه کافی: سازوکارهای اعتراض به تصمیمات حذف محتوا در شرایط خدمات این پلتفرم‌ها، اغلب مورد انتقاد قرار می‌گیرد. این سازوکارها، فاقد شفافیت، دسترسی آسان، و مهم‌تر از آن، یک مرجع بازبینی مستقل و بی‌طرف هستند که با الزامات دادرسی منصفانه تبیین شده در گزارش‌های گزارشگر ویژه آزادی بیان ( United Nations General Assembly, ۲۰۱۸) همخوانی ندارند. کاربران معمولاً دلیلی کلی دریافت می‌کنند و امکان ارائه دفاع مؤثر یا دسترسی به یک مرجع بی‌طرف برای بازبینی وجود ندارد، که این نقض آشکار حق دسترسی به دادرسی منصفانه است.

#### ۱۹. ۲، ۲، ۳. استناد به قوانین تحریمی ایالات متحده<sup>۱</sup>

بخش قابل توجهی از توجیهات پلتفرم‌های مستقر در ایالات متحده، به قوانین تحریمی این کشور، به‌ویژه تحریم‌های اعمال‌شده توسط دفتر کنترل دارایی‌های خارجی وزارت خزانه‌داری آمریکا (OFAC)، بازمی‌گردد. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در آوریل ۲۰۱۹ توسط وزارت خارجه ایالات متحده به عنوان یک سازمان تروریستی خارجی (FTO) و شخص سردار سلیمانی نیز در لیست تروریست‌های جهانی با تابعیت خاص (Specially Designated Global Terrorists - SDGT) توسط OFAC قرار گرفت ( U.S. Department of State, n.d۲۰۲۰ U.S. Department of the Treasury, a). قوانین تحریمی OFAC، ارائه هرگونه خدمات (از جمله خدمات ارتباطی و فناوری اطلاعات) به افراد یا نهاد‌های موجود در لیست SDN (Specially Designated Nationals) را برای اشخاص آمریکایی یا شرکت‌هایی که تحت صلاحیت قضایی آمریکا هستند، ممنوع می‌سازد ( U.S. Department of the Treasury, b۲۰۲۰). پلتفرم‌ها استدلال می‌کنند که نمایش محتوای مرتبط با این اشخاص، می‌تواند به معنای ارائه خدمات و در نتیجه نقض تحریم‌ها تلقی شود.

تحلیل حقوقی اعمال فراسرزمینی تحریم‌ها و تضاد با حقوق بین‌الملل بشر:

- چالش اعمال فراسرزمینی و مسئولیت حقوق بین‌الملل: یکی از چالش‌های اصلی، اعمال فراسرزمینی این تحریم‌ها است. در حالی که دولت ایالات متحده تلاش می‌کند این قوانین را بر شرکت‌های خود در هر کجای جهان تحمیل کند، این امر می‌تواند با اصول حقوق بین‌الملل عمومی در مورد صلاحیت قضایی دولت‌ها و نیز با تعهدات حقوق بشری آن‌ها در قبال آزادی بیان تضاد پیدا کند ( Pillay, )



۲۰۱۵). آیا یک شرکت آمریکایی مجاز است قوانین یک کشور را در سراسر جهان اعمال کند، حتی اگر این امر منجر به نقض حقوق بشر در کشور دیگری شود؟ این مسئله، دامنه مسئولیت بین‌المللی دولت ایالات متحده را نیز مطرح می‌سازد ( **United Nations General Assembly**, ۲۰۱۵).

- تفسیر بیش از حد و خوداجرای: پلتفرم‌ها اغلب به دلیل ترس از جریمه‌های سنگین **OFAC**، تفسیری بیش از حد گسترده از قوانین تحریمی ارائه می‌دهند و رویکرد احتیاطی در پیش می‌گیرند. این رویکرد منجر به حذف محتوایی می‌شود که الزاماً مشمول تحریم‌ها نیست و می‌تواند مصداق تبلیغ تروریسم یا ارائه خدمات مادی تلقی نشود. به عنوان مثال، حذف تصاویر عادی، اخبار یا تحلیل‌های بی‌طرفانه در مورد یک شخصیت تحریم شده، مصداق این بیش‌اجرای است که نه تنها با هدف تحریم‌ها فاصله دارد، بلکه آزادی بیان را به طور نامتناسبی محدود می‌کند ( **Amnesty International**, ۲۰۱۹).
- تأثیر بر آزادی بیان و دسترسی به اطلاعات: این رویه حذف، به طور نامتناسبی حق آزادی بیان و دسترسی به اطلاعات را محدود می‌کند. محتوایی که صرفاً جنبه خبری، انتقادی یا تحلیلی دارد، یا حتی محتوای مربوط به ابراز همدردی در چارچوب آزادی بیان، مشمول این حذف‌ها قرار گرفته است. این امر، محیط مجازی را برای ابراز عقاید مشروع، حتی در مورد یک شخصیت سیاسی - نظامی بحث‌برانگیز، به شدت محدود می‌کند ( **Human Rights Watch**, ۲۰۲۰).

### ۲۰. ۳. ۳. ارزیابی رویه‌های حذف در پرتو استانداردهای حقوق بین‌الملل بشر

رویه‌های حذف محتوا در مطالعه موردی سردار سلیمانی باید در پرتو آزمون سه‌بخشی ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (قانونی بودن، مشروعیت هدف، ضرورت و تناسب) و همچنین اصول دادرسی منصفانه ارزیابی شود.

### ۲۱. ۳. ۳. ۱. انطباق با آزمون سه‌بخشی ماده ۱۹ «میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی»:

- قانونی بودن:

○ شرایط خدمات: همانطور که در بخش ۳،۲،۱ اشاره شد، تعاریف مبهم و کلی در شرایط خدمات پلتفرم‌ها، به اندازه کافی شفاف و قابل پیش‌بینی نیستند تا کاربران بتوانند به طور دقیق مرزهای محتوای مجاز را تشخیص دهند ( **UN Human Rights Committee**, ۲۰۱۱ **para. ۳۴, General Comment No. ۲۵**). این ابهام، به پلتفرم‌ها اجازه می‌دهد تا با قدرت انتخاب بالایی عمل کنند که با اصل قانونی بودن در حقوق بین‌الملل بشر مغایرت دارد.

○ قوانین تحریمی: در حالی که قوانین تحریمی ایالات متحده خود قانونی هستند، اعمال فراسرزمینی آن‌ها بر کاربران و شرکت‌های خارج از آمریکا و تفسیر گسترده آن‌ها توسط پلتفرم‌ها، ممکن است عنصر قابل پیش‌بینی بودن برای شهروندان غیرآمریکایی را نقض کند. این امر به ویژه در مواردی که هیچ گونه ارتباط مالی یا مادی با تحریم‌ها وجود ندارد، صادق است ( **United Nations General Assembly**, ۲۰۱۵).

- مشروعیت هدف:

پلتفرم‌ها و دولت ایالات متحده ممکن است هدف خود را حفظ امنیت ملی و مقابله با تروریسم اعلام کنند. این اهداف، در اصول کلی، می‌توانند به عنوان اهداف مشروع بر اساس ماده ۱۹ (۳) «میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی» در نظر گرفته شوند (UN Human Rights Committee, ۲۰۱۱, para. ۳۴, ۳۰). با این حال، باید تأکید شود که این اهداف باید به طور مضیق تفسیر شوند و نباید به بهانه‌ای برای سرکوب آزادی بیان تبدیل شوند.

#### • ضرورت و تناسب:

○ عدم ضرورت: حذف فراگیر و بدون تمایز هرگونه محتوای مرتبط با سردار سلیمانی، حتی محتوای خبری، انتقادی یا ابراز همدردی، به نظر نمی‌رسد که یک اقدام ضروری در یک جامعه دموکراتیک برای دستیابی به اهداف مشروعی چون مقابله با تروریسم باشد. آیا واقعاً تمام محتوای مرتبط با ایشان، به معنای ترویج تروریسم یا حمایت مادی از تروریسم است؟ همانطور که کمیته حقوق بشر تأکید دارد، محدودیت‌ها باید بر اساس نیاز اجتماعی مبرم باشند و به کمترین میزان بر حقوق مورد حفاظت تأثیر بگذارند (UN Human Rights Committee, ۲۰۱۱, para. ۳۴, ۳۴). این رویه پلتفرم‌ها به نظر می‌رسد که

از این استاندارد فراتر رفته و به جای هدف قرار دادن فعالیت‌های ممنوعه، به سانسور گسترده اطلاعات و عقاید منجر شده است.

○ عدم تناسب: رویه حذف کامل و بدون تمایز، نامتناسب با هدف دنبال شده است. راه‌های جایگزین و کمتر محدودکننده‌ای مانند برچسب‌گذاری محتوا برای ارائه اطلاعات زمینه‌ای، ارائه اطلاعات توسط پلتفرم درباره وضعیت تحریمی فرد یا نهاد، یا محدود کردن دسترسی به جنبه‌های مالی مرتبط با تحریم (به جای سانسور محتوا) وجود داشت که می‌توانست به همان هدف مشروع دست یابد. اعمال تحریم‌ها در مورد خدمات مالی یک چیز است و حذف محتوای ابراز عقیده یا اطلاعات، چیز دیگری. این رویه، تعادل لازم بین هدف مشروع و حق آزادی بیان را به طور نامتناسبی به هم می‌زند. برای مثال، حذف عکسی از یک مراسم یادبود یا خبری از زندگی ایشان، به هیچ وجه با هدف مبارزه با تروریسم تناسب ندارد و مصداق بیش‌اجرائی (over-compliance) با قوانین تحریمی است (Amnesty International, ۲۰۱۹). این رویه همچنین با اصل قرآنی «اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى» (مأذنه: ۸) که رعایت عدالت، حتی نسبت به دشمنان را الزامی می‌داند، در تضاد است.

#### ۲۲. ۳، ۳، ۲. انطباق با الزامات دادرسی منصفانه:

• عدم اطلاع‌رسانی شفاف: پلتفرم‌ها اغلب دلایل کلی برای حذف ارائه می‌دهند (نقض قوانین جامعه، محتوای تروریستی) بدون توضیح دقیق اینکه کدام بخش از محتوا و چگونه سیاست آن‌ها را نقض کرده است. این عدم شفافیت، حق اطلاع‌رسانی کافی و شنیده شدن کاربر را نقض می‌کند (United Nations General Assembly, ۲۰۱۸, para. ۳۶).

• نارسا بودن سازوکارهای اعتراض: همانطور که در بخش ۲، ۳ توضیح داده شد، سازوکارهای اعتراض به حذف محتوا در پلتفرم‌ها معمولاً دسترسی ناپذیر، غیر شفاف و ناکارآمد هستند. کاربران غالباً با فرآیندهای خودکار مواجه می‌شوند و دسترسی به یک بازبینی



مستقل وجود ندارد. این امر، حق دسترسی به دادرسی منصفانه را به طور جدی تضعیف می‌کند و در تضاد با اصول بنیادین حقوق بشر است (United Nations General Assembly, ۲۰۱۹, para. ۵۴).

• عدم شفافیت در فرآیند بازبینی: حتی در صورت اعتراض، فرآیند بازبینی داخلی پلتفرم‌ها شفاف نیست و کاربران اغلب از نتیجه نهایی و دلایل آن بی‌اطلاع می‌مانند (United Nations General Assembly, ۲۰۱۶, para. ۴۵).

### ۲۳. ۳، ۴. تحلیل تطبیقی و استنتاج حقوقی

تحلیل مطالعه موردی حذف محتوای سردار سلیمانی، چالش‌های گسترده‌تری را در خصوص مسئولیت حقوقی پلتفرم‌های دیجیتال در فضای مجازی به نمایش می‌گذارد. اگرچه یافتن موارد کاملاً مشابه حقوقی (که در آن‌ها پلتفرم‌ها بر اساس تحریم‌ها محتوا حذف کرده باشند و پرونده به دیوان‌های حقوق بشری رسیده باشد) ممکن است دشوار باشد، اما می‌توان از رویه‌های قضایی و تحلیل‌های حقوقی در زمینه محدودیت‌های آزادی بیان توسط پلتفرم‌ها و الزامات دادرسی منصفانه استفاده کرد.

پرونده‌های دیوان حقوق بشر اروپا (ECtHR) در مورد مسئولیت واسطه‌ها: اگرچه این پرونده‌ها اغلب به محتوای افتراآمیز یا غیرقانونی (مانند محتوای نژادپرستانه) می‌پردازند و نه مستقیماً به تحریم‌ها، اما اصول کلی ضرورت و تناسب و مسئولیت واسطه‌ها در آن‌ها قابل استخراج است. به عنوان مثال، در پرونده‌هایی مانند *Delfi AS v. Estonia* (۲۰۱۵) و *Magyar Tartalomszolgáltatók Egyesülete and Index.hu Zrt v. Hungary* (۲۰۱۶)، دیوان به بررسی تعادل میان آزادی بیان و مسئولیت پلتفرم‌ها پرداخته و معیارهایی برای اقدام سریع پلتفرم‌ها پس از اطلاع از محتوای غیرقانونی و همچنین لزوم تناسب در هرگونه مداخله تعیین کرده است. این پرونده‌ها تأکید می‌کنند که حتی در مواجهه با محتوای غیرقانونی، باید راه‌حل‌های متناسب‌تری در نظر گرفته شود.

قانون خدمات دیجیتال اتحادیه اروپا (*Digital Services Act - DSA*): این قانون (Regulation (EU) ۲۰۲۲/۲۰۶۵)، که در سال ۲۰۲۲ تصویب شده، تلاشی برای قانونمند کردن رویه‌های تعدیل محتوا در پلتفرم‌ها در اتحادیه اروپا است. **DSA** بر لزوم شفافیت در سیاست‌های تعدیل محتوا (ماده ۱۴)، سازوکارهای شکایت و اعتراض مؤثر (ماده ۱۷) و بازبینی مستقل (ماده ۲۰) تأکید می‌کند (European Parliament and Council of the European Union, ۲۰۲۲). اگرچه این قانون مستقیماً به تحریم‌ها نمی‌پردازد، اما اصول آن در جهت تضمین دادرسی منصفانه و شفافیت در اقدامات پلتفرم‌ها است که در مورد سردار سلیمانی نقض شده است و نشان‌دهنده یک گرایش حقوقی بین‌المللی به سمت مسئولیت‌پذیری بیشتر پلتفرم‌ها است.

استنتاج حقوقی:

- بر اساس تحلیل انجام شده، رویه پلتفرم‌های دیجیتال در حذف محتوای مرتبط با سردار سلیمانی، به ویژه با استناد به قوانین تحریمی ایالات متحده و شرایط خدمات کلی، با چالش‌های جدی از منظر حقوق بین‌الملل بشر مواجه است و در بسیاری از جنبه‌ها با استانداردهای آزمون سه‌بخشی (قانونی بودن، ضرورت، تناسب) و الزامات دادرسی منصفانه انطباق کامل ندارد.
- عدم انطباق با اصل تناسب: حذف فراگیر محتوا، از جمله محتوای خبری یا صرفاً ابراز همدردی، به طور نامتناسبی آزادی بیان کاربران را محدود کرده و از هدف مبارزه با تروریسم فراتر رفته است. راه‌های جایگزین و کمتر محدودکننده‌ای برای مقابله با نقض احتمالی تحریم‌ها (مانند اعمال تحریم‌های مالی مستقیم بر حساب‌های مرتبط، بدون حذف گسترده محتوا) وجود داشت.
  - نقض دادرسی منصفانه: عدم شفافیت در دلایل حذف، فقدان سازوکارهای اعتراض مؤثر و نبود بازبینی مستقل، حق کاربران برای دادرسی منصفانه را تضعیف کرده است. این امر، اعتماد عمومی به این پلتفرم‌ها را کاهش داده و مشروعیت تصمیمات آن‌ها را زیر سوال می‌برد.
  - مسئولیت پلتفرم‌ها به عنوان بازیگران شبه‌دولتی: پلتفرم‌های دیجیتال، به دلیل نقش مرکزی خود در فضای اطلاعاتی، فراتر از صرف واسطه‌های خنثی عمل می‌کنند و باید مسئولیت‌های حقوق بشری خود را، حتی به صورت غیرمستقیم (از طریق اعمال تعهدات دولت‌ها به احترام و حمایت از حقوق بشر)، در قبال کاربران در سراسر جهان بپذیرند. تأثیر آن‌ها بر حقوق بنیادین، ایجاب می‌کند که سیاست‌های تعدیل محتوای آن‌ها با اصول حقوق بین‌الملل بشر همسو باشد.
  - بیش‌اجرائی تحریم‌ها و پیامدهای حقوق بشری: این مطالعه موردی، نمونه بارزی از بیش‌اجرائی (با قوانین تحریمی یک کشور است که به طور نامتناسبی بر حقوق بشر جهانی تأثیر می‌گذارد و می‌تواند به سانسور و محدودیت گفتمان عمومی در مقیاس جهانی منجر شود. این امر، ضرورت بازنگری در نحوه اجرای قوانین تحریمی و لزوم تعادل با تعهدات حقوق بشری را برجسته می‌سازد.

## ۴.۲۴. نتیجه‌گیری

این پژوهش به بررسی مسئولیت حقوقی پلتفرم‌های دیجیتال در قبال حذف محتوای مرتبط با شخصیت‌های تحت تحریم، با تمرکز بر مطالعه موردی حذف محتوای سردار قاسم سلیمانی از پلتفرم‌هایی نظیر اینستاگرام و توییتر، پرداخت. سوال اصلی پژوهش این بود که آیا رویه این پلتفرم‌ها در حذف محتوای مذکور، با اصول آزادی بیان، ضرورت، تناسب و دادرسی منصفانه در حقوق بین‌الملل بشر انطباق دارد و پلتفرم‌ها تا چه میزان در قبال این اقدامات از منظر حقوق بین‌الملل مسئولیت حقوقی دارند.

یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که رویه پلتفرم‌های دیجیتال در حذف محتوای مرتبط با سردار سلیمانی، هرچند با استناد به شرایط خدمات داخلی و قوانین تحریمی ایالات متحده صورت گرفته، اما با چالش‌های جدی از منظر حقوق بین‌الملل بشر مواجه است و در بسیاری از جنبه‌ها با استانداردهای بین‌المللی آزادی بیان و دادرسی منصفانه انطباق کامل ندارد.

عدم انطباق با آزمون سه‌بخشی (بر اساس تحلیل بخش ۱، ۳، ۳): رویه حذف فراگیر و بدون تمایز هرگونه محتوای مرتبط با سردار سلیمانی (شامل محتوای خبری، تحلیلی، یا ابراز همدردی)، به طور نامتناسبی آزادی بیان کاربران را محدود کرده است. این بیش‌اجرائی

(over-compliance) با قوانین تحریمی، از اصل تناسب که ایجاب می‌کند ابزار انتخابی کمترین تأثیر محدودکننده را بر حقوق داشته باشد، فراتر رفته و با اصول حقوق بشری (ماده ۱۹ میثاق) و همچنین اصول عدالت اسلامی در تعارض است.

نقض اصول دادرسی منصفانه (بر اساس تحلیل بخش ۲، ۳، ۳): پلتفرم‌ها از شفافیت کافی در اطلاع‌رسانی دلایل حذف برخوردار نبوده‌اند. همچنین، سازوکارهای اعتراض به تصمیمات حذف، غالباً غیر شفاف، دسترسی‌ناپذیر و فاقد امکان بازبینی مستقل و بی‌طرفانه بوده‌اند که حق کاربران برای دادرسی منصفانه را به طور جدی تضعیف کرده است.

مسئولیت پلتفرم‌ها به عنوان بازیگران شبه‌دولتی (بر اساس تحلیل بخش ۲، ۱، ۲): این مطالعه موردی، نقش فزاینده و شبه‌دولتی پلتفرم‌ها را برجسته می‌سازد. آن‌ها موظفند با رعایت استانداردهای حقوق بین‌الملل بشری (ذیل (UNGPS) سیاست‌های تعدیل محتوای خود را تدوین و اجرا کنند.

در مجموع، حذف محتوای مرتبط با سردار سلیمانی، نه تنها به عنوان یک مورد نقض احتمالی آزادی بیان، بلکه به عنوان نمادی از چالش‌های گسترده‌تر در تنظیم‌گری فضای دیجیتال و لزوم تعادل میان امنیت، تحریم‌ها و حقوق بنیادین بشر در عصر جهانی‌شدن اطلاعات، قابل تحلیل است.

با توجه به یافته‌های این پژوهش و چالش‌های حقوقی موجود، پیشنهادهای زیر برای تضمین رعایت کامل‌تر حقوق بشر در سیاست‌های تعدیل محتوای پلتفرم‌های دیجیتال و برای نهادهای دولتی مربوطه ارائه می‌گردد:

#### ۲۵. برای پلتفرم‌های دیجیتال:

- افزایش شفافیت در شرایط خدمات و پرهیز از ابهام (مبتنی بر چالش قانونی بودن): پلتفرم‌ها باید تعاریف دقیق و شفافی از محتوای ممنوعه (به ویژه در مورد تروریسم و سازمان‌های خطرناک) ارائه دهند که با استانداردهای حقوق بین‌الملل همخوانی داشته و قابل پیش‌بینی برای کاربران باشد.
- تضمین دادرسی منصفانه و سازوکارهای اعتراض مؤثر (مبتنی بر نقض دادرسی منصفانه): پلتفرم‌ها موظفند سازوکارهایی شفاف، قابل دسترس و مؤثر برای اعتراض به تصمیمات حذف محتوا فراهم کنند. این سازوکارها باید شامل اطلاع‌رسانی دقیق دلایل حذف، فرصت دفاع برای کاربر، و امکان بازبینی توسط یک مرجع مستقل و بی‌طرف (درون یا برون پلتفرمی) باشد.
- پرهیز از بیش‌اجرائی تحریم‌ها و رعایت اصل تناسب (مبتنی بر چالش ضرورت و تناسب): پلتفرم‌ها باید در تفسیر و اجرای قوانین تحریمی، رویکردی متناسب و محدودکننده اتخاذ کنند و از حذف محتوایی که صرفاً جنبه خبری، تحلیلی، انتقادی یا ابراز عقیده مشروع دارد، پرهیز کنند. مسئولیت‌پذیری پلتفرم‌ها در قبال آزادی بیان باید بر نگرانی‌های صرفاً تجاری یا تبعیت مفرط از قوانین داخلی یک کشور ارجحیت داشته باشد.

- رعایت اصول راهنمای سازمان ملل در مورد کسب و کار و حقوق بشر: (UNGP) پلتفرم‌ها باید تعهد احترام به حقوق بشر را در تمام عملیات خود لحاظ کرده و فرآیندهای دقت و مراقبت حقوق بشری (Human Rights Due Diligence) را برای شناسایی، جلوگیری، کاهش و جبران تأثیرات منفی فعالیت‌های خود بر حقوق بشر اجرا کنند.  
۲۶. برای دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی:
  - وضع چارچوب‌های نظارتی بین‌المللی: نهادهای بین‌المللی (مانند سازمان ملل) و دولت‌ها باید همکاری کنند تا چارچوب‌های نظارتی و حقوقی بین‌المللی را برای مسئولیت‌پذیری پلتفرم‌های دیجیتال در قبال حقوق بشر توسعه دهند. این چارچوب‌ها باید بر استانداردهای آزادی بیان، حریم خصوصی و دادرسی منصفانه تأکید داشته باشند.
  - محدود کردن اعمال فراسرزمینی قوانین تحریمی بر آزادی بیان (مبتنی بر چالش قانونی بودن و فراسرزمینی): دولت‌ها، به‌ویژه ایالات متحده، باید در تدوین و اجرای قوانین تحریمی خود، ملاحظات حقوق بشری را در نظر بگیرند و از اعمال فراسرزمینی این قوانین به گونه‌ای که منجر به محدودیت نامتناسب آزادی بیان در سراسر جهان شود، خودداری کنند. مرزگذاری دقیق بین تحریم‌های مالی و محدودیت‌های ارتباطی مشروع و غیرمشروع ضروری است.
  - تضمین دسترسی به راهکارهای جبرانی مؤثر: دولت‌ها باید اطمینان حاصل کنند که کاربران در صورت نقض حقوقشان توسط پلتفرم‌ها، به راهکارهای جبرانی مؤثر، از جمله مراجع قضایی یا شبه‌قضایی، دسترسی داشته باشند.
  - تقویت ظرفیت نهادهای ملی ناظر بر حقوق دیجیتال: دولت‌ها باید نهادهای ملی قوی و مستقلی برای نظارت بر رعایت حقوق دیجیتال، از جمله آزادی بیان در فضای آنلاین، ایجاد یا تقویت کنند.
- با اجرای این پیشنهادها، می‌توان گامی مهم در جهت ایجاد یک فضای دیجیتال شفاف‌تر، منصفانه‌تر و همخوان‌تر با اصول حقوق بین‌الملل بشر برداشت و از تبدیل پلتفرم‌های دیجیتال به ابزاری برای سانسور نامتناسب جلوگیری کرد.



- Gillespie, T. (2018). *Custodians of the internet: Content moderation and the hidden infrastructure of social media*. Yale University Press.
- Amnesty International. (2019). *The toxic Twitter: Violence and abuse against women online*. Amnesty International Publications.
- Associated Press. (2020, January 10). Instagram deleting posts supporting Soleimani after US killing.
- Bradshaw, S., & Howard, P. N. (2019). Challenging truth and trust: A global inventory of organized social media manipulation. *Computational Propaganda Project*.
- The Danish Institute for Human Rights. (2020). *Tech Giants, Freedom of Expression and Privacy*.
- Everett, T. D. (2018). Free Speech on Privately-Owned Fora: A Discussion on Speech Freedoms and Policy for Social Media. *University of Kansas Law Review*, 67(2), 405-430.
- Human Rights Watch. (2020, May 15). Sanctions and Censorship: How US Sanctions Restrict Online Content in Iran.
- Kim, K., & Telman, J. (2015). Internet Giants as Quasi-Governmental Actors and the Limits of Contractual Consent. *Missouri Law Review*, 80(3), 565-602.
- Pillay, N. (2015, March 18). *Impact of unilateral coercive measures on the enjoyment of human rights: Report of the United Nations High Commissioner for Human Rights*. A/HRC/28/57.
- Reuters. (2020, January 10). Instagram deletes posts supporting Soleimani after U.S. killing.
- Wardle, C., & Derakhshan, H. (2017). *Information disorder: Toward an interdisciplinary framework for research and policymaking*. Council of Europe.
- Delfi AS v. Estonia, [GC], no. 64569/09, ECHR 2015. (2015).
- European Parliament and Council of the European Union. (2022). Regulation (EU) 2022/2065 on a Single Market For Digital Services (*Digital Services Act*). *Official Journal of the European Union*, L 277, 101-102.
- Human Rights Committee. (2011, July 12). *General Comment No. 34: Article 19: Freedoms of opinion and expression*. CCPR/C/GC/34.
- International Covenant on Civil and Political Rights (ICCPR). (1966).
- Magyar Tartalomszolgáltatók Egyesülete and Index.hu Zrt v. Hungary, [GC], no. 22947/13, ECHR 2016. (2016).
- Office of the United Nations High Commissioner for Human Rights (OHCHR). (2011). *Guiding Principles on Business and Human Rights: Implementing the United Nations "Protect, Respect and Remedy" Framework*. United Nations.
- Security Council Resolution 1373, S/RES/1373. (2001).
- Security Council Resolution 1566, S/RES/1566. (2004).
- United Nations General Assembly. (2018, May 22). *Report of the Special Rapporteur on the promotion and protection of the right to freedom of opinion and expression*. A/HRC/38/35.
- U.S. Department of the Treasury. (2020a, January 3). *Treasury Designates Iran's Foreign Minister Javad Zarif*.
- U.S. Department of the Treasury. (2020b, October 29). *Frequently Asked Questions about OFAC*.